

سخنران: حجت الاسلام و المسلمین دکتر نجف لک زایی

در جلسه قبل عرض شد چهار نیرو در شکل دادن تحولات ایران معاصر نقش داشتند: نیروی دولت - دین - روشنفکری - و نیروی بیگانه

در جلسه امروز با توجه به آنچه که در این هفته اتفاق افتاد و دولت سلطه گر امریکا، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به عنوان یک سازمان تروریستی معرفی کرد، می خواهیم به بحث نقش نیروی بیگانه در تحولات ایران با محوریت امریکا، پردازیم.

اساساً یکی از ویژگی های طاغوت که در قرآن کریم هم ذکر شده این است که طاغوت، حقایق را وارونه نشان می دهند.

این که حضرت امام فرمود امریکا شیطان بزرگ است نیز به خاطر همین ویژگی امریکا است. امریکا همچون ابلیس، حقایق را وارونه نشان می دهد و برای آن مصوبه هم تصویب می کند. می گوید من مدافع حقوق بشر هستم ولی تنها کشوری که از بمب اتم علیه مردم ژاپن، استفاده کرد - آن هم در حالیکه آنها تسلیم شده بودند - امریکا بود. امریکا می گوید ما طرفدار دموکراسی هستیم ولی هر جا دیکتاتوری دردناک هست، پشتیبانش است. می گوید ما با تروریسم مبارزه می کنیم در حالیکه هر جا یک گروه تروریستی نظیر سازمان منافقین و داعش هست، مدافعش هستند.

من اشاره ای به مراحل دخالت امریکا در ایران می کنم تا شما بیشتر با فضای روابط ایران و امریکا آشنا شوید.

به طور کلی می توانیم از دو مقطع قبل از انقلاب و بعد از انقلاب در این رابطه، یاد کنیم.

در قبل از انقلاب، روابط ایران و امریکا به طور جدی از اواخر دهه بیست در زمان تلاش ایرانیان برای ملی کردن صنعت نفت، شروع شده است.

بعد از جنگ جهانی دوم و در زمان ریاست جمهوری ترومن مداخله جدی امریکا در امور ایران آغاز شد. منتها آن زمان، ایرانیها به ویژه دکتر محمد مصدق، نگاه مثبتی به امریکاییان داشتند. اعتقادشان آن بود که امریکا به کمک ایران آمده تا در برابر چپاول نفت توسط انگلیسی ها، مقاومت کند.

اولین برنامه توسعه برای ایرانیها را امریکاییان در (۱۳۲۷ ش) نوشتند. گفتند بودجه این برنامه باید از نفت ایران به دست آید لذا باید نفت ایران، ملی شود و انگلیسی ها در آن دخالتی نداشته باشند. انگلیسی ها این مطلب را نپذیرفتند.

دوره ریاست جمهوری ترومن تمام شد و آیزنهاور رئیس جمهور امریکا گشت. انگلیسی ها سراغ او رفتند که کمک کنید نفت را دوباره از ایران بگیریم. نقشه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را انگلیسی ها نوشتند و امریکاییان علیه دکتر مصدق، اجرا کردند.

آیت الله کاشانی به دکتر مصدق گفت به امریکاییها اعتماد نکن و ضرب المثل "سگ زرد برادر شغال است" را در این زمینه بکاربرد. پس از کودتا، نفت ایران تقسیم شد؛ ۴۰ درصد به امریکا، ۴۰ درصد انگلیس و ۲۰ درصد به هلند و فرانسه رسید.

توجیه آیزنهاور به مصدق این بود که اینها توافقاتی بوده که شما در زمان ترومن انجام دادید و به ما ربطی ندارد ترومن از حزب دموکرات بوده و ما جمهوری خواهیم. همیشه همین طور بوده است دموکرات ها می آیند با کشوری توافقاتی می کنند بعد جمهوری خواهان به قدرت می رسند و می گویند به ما ربطی ندارد. این تقریباً فرمول ثابت در همه دوره های امریکا است.

در دوره کندی قرار می شود که در ایران اصلاحات ارضی انجام شود که جلوی نفوذ کمونیسم را بگیرند؛ یکی از شگردهای امریکایی ها و انگلیسی این بود که به یک عده پول می دادند که شعارهای کمونیستی بدهید. بعد شعارهای اینها را پخش می کردند و می گفتند مملکت را دارد کمونیسم می گیرد بر اساس آن مصوبه می گذاشتند که باید جلوی کمونیسم را بگیریم.

علی امینی که سفیر ایران در امریکا بود را به عنوان نخست وزیر به محمد رضا تحمیل کردند که سیاست اصلاحات ارضی را اجرا کند بعد محمدرضا پهلوی احساس خطر کرد و رفت امریکا گفت: هر چه شما از علی امینی میخواهید بگویید من برای شما انجام دهم. آن عکس معروف که امام می- فرماید: "از دیدن آن کام انسان تلخ می شود" برای این دوره است که شاه به دیدار کندی می رود درحالیکه پاهای کندی روی میز است!

کندی آمد علی امینی را کنار گذاشت و شاه مبدع انقلاب سفید شد که شش اصل را به عنوان انقلاب سفید اعلام کردند. نتیجه این اقدام این شد که حکومت های ایران از آن به بعد و شاه ایران بیش از پیش در بست در اختیار امریکایی ها قرار گرفت.

در دوره رئیس جمهور بعدی امریکا، دکترین نیکسون مطرح شد و نیکسون سیاست دو ستونی را مطرح کرد. گفتند منطقه خاورمیانه به اصطلاح آنها و آسیای جنوب غربی به اصطلاح ما، باید تماماً در اختیار امریکا قرار بگیرد. گفتند ما به دو ستون احتیاج داریم که این منطقه را، مطابق سیاست های امریکا پیش ببرند و حافظ امنیت اسرائیل هم باشند یک ستون مالی که عربستان است و یک ستون نظامی که ایران می باشد. بنابراین ایران ژاندارم امریکا در منطقه شد.

پس در این دوره، نیروی دریایی و هوایی ایران امکاناتی از امریکا برای پیاده و اجرای سیاست های امریکا در منطقه، می خرنند.

یکی از نیروهایی که به کمک امریکایی ها و با آموزش اسرائیلی از دهه ۳۰ در ایران تشکیل شد و به عنوان بازوی سرکوب بود، ساواک نام داشت که در دهه ۵۰ سرکوب هایش بیشتر شد.

خود امام بخاطر اعتراض علیه تصویب کاپیتولاسیون در ۱۳۴۳ تبعید شد. یعنی مجلس قانونی تصویب کرد که اگر امریکاییان در ایران مرتکب جرم و جنایتی شدند دادگاه های ایران حق محاکمه آنها را ندارد اینها در اختیار دولت امریکا خواهند بود و دولت امریکا مطابق قوانین خودشان آنها را محاکمه می کند. دلیلش هم این بود که ما ملت متمدنی هستیم که نمی توانیم تابع قوانین کشورهای بی باشیم که هنوز متمدن نشدند و تعبیر توخس را بکار بردند. پس تبعید امام بخاطر امریکایی هاست. ایران تبدیل می شود به کشوری که با تمام وجود تابع امریکا و زیر سلطه امریکاست.

آن چیزی که باعث خشم ملت ایران می شود اینهاست. یعنی ملت ایران به عنوان یک ملت مسلمان، متمدن تماماً نوکر امریکا و اسرائیل شده است.

استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی که شعار اصلی انقلاب مردم ما است، استقلال یعنی نفی اتکای به بیگانه، آزادی یعنی نفی استبداد و دیکتاتوری، جمهوری اسلامی یعنی نظامی که استقلال و آزادی را برای ما تأمین می کند. این نظام سلطه گر با انقلاب اسلامی می گوید من تحقیر شدم ایرانیان فقط انقلاب نکردند، بلکه ما را تحقیر کردند.

اینها آنقدر پست بودند که از کمک صدام در جنگ هم بگذریم در کارنامه زشت خودشان، ساقط کردن هواپیمای مسافربری را دارند! شما از یک چنین طاغوت و فرعوننی چه انتظاری دارید!

نزاع امریکا و ایران نزاع وجودی است یعنی ما نمی خواهیم که نظام سلطه وجود داشته باشد چون خدا به ما اجازه نمیدهد تا فرعون فرعون است نمیشود با آن ارتباط داشت.

امام فرمود تا امریکا دست از سلطه برندارد، با امریکا رابطه نداریم . .

سوال ۱: بانوان حوزوی و مبلغه برای احیای شعار "مرگ بر آمریکا" در ذهن نسل های جوان چه کاری میتوانند بکنند؟

بهترین کار همین تبیین تاریخچه جنایات امریکاییان است یعنی نشان دهیم که شیطان نمیتواند خیر خواه ما باشد.

سوال ۲: در جلسه قبل فرمودید اصل امر به معروف متوجه مسئولین کشور است در این زمینه طلاب حوزه علمیه چگونه می توانند عمل کنند؟

یکی از برکات تصمیم امریکا مبنی بر تحریم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اینست که هم مردم متوجه خباثت های امریکا شدند و هم مسئولین. به هر حال همچنان وظیفه ما آگاهی بخشی هست .
والسلام علیکم و الرحمه الله و برکاته